



Effectiveness of the Adolescent Development Training Program on Parenting Method and Mother Daughter Relationship

Mohsen Shokoohi -Yekta¹, Sogand Ghasemzadeh^{2*}, Majid Omid khankahdani³

Abstract

Adolescence is a critical period of development for individuals. In the mother-daughter relationship, the mother plays a crucial role as a source of information and guidance. The aim of this study was to investigate the effectiveness of an adolescent development training program on parenting methods and the mother-daughter relationship. This study used quasi-experimental design with pre and posttest but without a control group. The sample consisted of 60 mothers who participated in a five-session training program, with each session lasting two hours. The participants completed two questionnaires: Parent-Child Relationship (short form) (Gérard, 1994), and the Parenting Scale (Arnold, O'Leary, Wolff, & Acker, 1993). Data were analyzed using paired sample t-test. The results indicated a significant reduction in authoritarian parenting style ($p < 0.01$) after the intervention program. Furthermore, not only did the authoritarian style decrease significantly following the training program, but the parent-child relationship also improved. The educational program helped parents establish a more effective relationship with their adolescents and provided more opportunities for their independence.

Keywords: Adolescence Development, Parent- Adolescent Relation, Mother- Daughter Relationship, Parenting

Submission: 21 May 2024

Revised: 4 March 2025

Acceptance: 14 April 2025

1. Professor, Department of Psychology and Education of Exceptional Children, University of Tehran, Tehran, Iran. *E-mail:* myekta@ut.ac.ir

2. **Corresponding author:** Associate Professor, Department of Psychology and Education of Exceptional Children, University of Tehran, Tehran, Iran. *E-mail:* s.ghasemzadeh@ut.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Tehran, Iran.



اثربخشی برنامه آشنایی با تحول نوجوان بر سبک‌های تربیتی و ارتباط مادر با فرزند دختر

محسن شکوهی یکتا^۱، سوگند قاسم‌زاده^۲، *مجید امیدی خانکهدانی^۳

چکیده

نوجوانی دوره مهمی از تحول هر فرد است و در رابطه‌ی مادر- دختر، مادر به عنوان یک الگو و راهنما نقش مهمی در این زمینه دارد. هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی برنامه آموزشی تحول نوجوان بر سبک‌های تربیتی و ارتباط مادر با فرزند دختر بود. این پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون تک گروهی بود. گروه نمونه به صورت نمونه‌گیری در دسترس شامل ۶۰ نفر از مادران انتخاب شدند. آزمودنی‌ها طی پنج جلسه دو ساعته در برنامه آموزشی تحول نوجوان شرکت کردند. ابزارهای استفاده شده مقیاس‌های ارتباط والد- فرزند (فرم کوتاه) (جرارد، ۱۹۹۴) و فرزندپروری (آرنولد، اولیری، ولف و آکر، ۱۹۹۳) بود. یافته‌های حاصل از آزمون t همبسته نشان داد از میان سبک‌های تربیتی، سبک مستبدانه در سطح ۰/۰۱ کاهش معنی‌دار داشته است. همچنین یافته‌ها نشان داد پس از دوره آموزشی نه تنها سبک مستبدانه به طور معناداری کاهش یافته بلکه میزان ارتباط با فرزند نیز پس از دوره آموزشی افزایش داشته است. با توجه به نتایج پژوهش می‌توان بیان کرد برنامه آموزشی به والدین کمک می‌کند ارتباط موثرتری با نوجوان خود برقرار کرده و فرصت بیشتری برای استقلال آن‌ها فراهم آورند.

کلیدواژه‌ها: تحول نوجوان، رابطه والدین با نوجوان، رابطه مادر و دختر، فرزندپروری

تاریخ دریافت: ۱ خرداد ۱۴۰۳ تاریخ بازنگری: ۱۴ اسفند ۱۴۰۳ تاریخ پذیرش: ۲۵ فروردین ۱۴۰۴

۱. استاد گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران. ایمیل: myekta@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران. s.ghasemzadeh@ut.ac.ir

۳. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

مقدمه

نوجوانی دوره‌ای از زندگی بین کودکی و بزرگسالی است که مهمترین تکالیف تحولی^۱ آن استقلال بیشتر از والدین، تجربه تغییرات اجتماعی، شناختی، هیجانی و زیستی است (سیلورز^۲، ۲۰۲۲). اختلاف نظرهایی در مورد سن دقیق نوجوانی و اینکه آیا نوجوانی و جوانی هم‌پوشانی دارند یا خیر وجود دارد (هال^۳، ۱۹۰۴؛ آرنت^۴، ۲۰۰۱؛ سازمان بهداشت جهانی^۵، ۲۰۱۵). در برخی تعاریف نوجوانی به صورت دوره سنی خاص و یا دوره‌ای انتقالی توصیف شده است (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۵؛ نئوگارتن، مور و لوی^۶، ۱۹۶۵). تحت تاثیر تغییرات زیستی در طول دو قرن گذشته سن نوجوانی از میانگین ۱۴/۵ سال به میانگین ۱۲/۵ سال کاهش پیدا کرده است (آرنت، ۲۰۰۱). برعکس در بعد فرهنگی و اجتماعی با توجه به صنعتی شدن جوامع و به وجود آمدن فرصت‌های آموزشی این دوره انتقالی طولانی‌تر از گذشته شده است (برودا تمبوری^۷، ۲۰۱۹). در واقع پژوهشگران شروع نوجوانی را با عوامل زیست-شناختی مانند بلوغ و پایان آن را به فرهنگ وابسته می‌دانند و آن را به سه دوره نوجوانی اولیه (۱۰ تا ۱۳ سالگی)، نوجوانی میانی (۱۴ تا ۱۷ سالگی) و دوره پایانی نوجوانی (۱۷ تا اوایل ۲۰ سالگی) تقسیم می‌کنند (سمیتانا و روت^۸، ۲۰۱۹). رویارویی با پدیده نوجوانی در جوامع مختلف متفاوت است. در کشورهای غربی نوجوانان معمولاً تشویق می‌شوند تا از خانواده مستقل شوند و هویت خود را گسترش دهند. در مقابل در کشورهای شرقی به ویژه برای نوجوانان پسر تاکید بیشتری بر پذیرش نقش‌ها و مسئولیت‌ها وجود دارد؛ به گونه‌ای که ارزش و اهمیت خانواده غالباً بر نیازهای فردی ترجیح داده می‌شود. در این جوامع کوچکترها پیرو بزرگترها و زنان پیرو و تابع مردها هستند (ویلیم شورتس^۹، ۲۰۱۷). با توجه به اینکه نوجوانی دوره گذار از کودکی به جوانی و بزرگسالی بوده و در طی آن هویت و شخصیت فرد شکل می‌گیرد و به استقلال نسبی دست پیدا می‌کند، این شرایط می‌تواند برای او فشارزا و مشکل‌آفرین باشد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که در گذراندن دوره نوجوانی بین دختران و پسران تفاوت‌هایی وجود دارد (کمپیل، بان و پاتالای^{۱۰}، ۲۰۲۱؛ سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۲۰) و در این دوران دختران سلامت روانی خود را به مراتب بدتر از پسران گزارش می‌کنند (کی-تزدوک، کیم و مین^{۱۱}، ۲۰۱۷؛ برادشو، مارتورانو، ناتالی و نئوبورگ^{۱۲}، ۲۰۱۳).

از آنجایی که نوع روابط نوجوانان با والدین بر سلامتی، عملکرد و موفقیت آنها در شکل‌گیری هویت فردی نقش دارد (سمیتانا و روت، ۲۰۱۹)، والدین نیاز دارند تا شیوه‌های فرزند پروری خود را متناسب با نیازهای تحولی نوجوانان سازگار کنند (کیم، وانگ، اوروزکو-لاپری، شن و مورتوزا^{۱۳}، ۲۰۱۳)، والدین برای ایجاد نوجوانی بهتر برای فرزندان‌شان به سه نکته باید توجه کنند: ۱- ایجاد و تقویت رابطه والد-فرزندی، ۲- تشویق رفتارهای مناسب و نادیده گرفتن رفتارهای نامناسب و ۳- فراهم کردن زمینه‌ی استقلال و خودمختاری (رالف^{۱۴}، ۲۰۱۸). پژوهش‌ها در رابطه با میزان نزدیکی نوجوانان به والدین و همچنین حمایت دریافتی از والدین در این دوره نتایج متفاوتی را نشان می‌دهند؛ برخی از آنها معتقد به کاهش این متغیرها بوده (لارسن و کولینز^{۱۵}، ۲۰۰۹؛ مارسیا، رام و ساسمن^{۱۶}، ۲۰۱۵) و گروهی دیگر بیان می‌کنند که نزدیکی به والدین و احترام قائل شدن برای والدین در این دوره افزایش می‌یابد

1. Developmental task
2. Silvers
3. Hall
4. Arnett
5. World Health Organization
6. Neugarten, Moore & Lowe
7. Broda Tamburi
8. Smetana & Rote
9. Wilmshurst
10. Campbell, Bann T Patalay
11. Kaye-Tzadok, Kim, & Main
12. Bradshaw, Martorano, Natali, & Neubourg
13. Kim, Wang, Orozco-Lapray, Shen & Murtuza
14. Ralf
15. Laursen & Collins
16. Marceau, Ram, & Susman

که این افزایش بین مادران با نوجوانان دختر به طور معناداری بیشتر است (موور، گازمن، هیر، لیپمن و گارت،^۱ ۲۰۰۴؛ استینبرگ،^۲ ۲۰۰۱).

هرچند به رابطه مادر- دختر توجه شده است (مک گرو و والکر،^۳ ۲۰۰۴؛ هیر، بلاک، بابین، اندرسون و تاتام،^۴ ۲۰۰۶) و پژوهش‌ها نشان داده‌اند مادران نقش کلیدی در تصمیم‌گیری دختران در مواجهه با رفتارهای خطر آفرین دارند (موروتی و همکاران،^۵ ۲۰۲۴)، اما در رابطه با مفهوم رابطه نزدیک زنانه، نظریه‌ای به طور منسجم و متمرکز ارائه نشده است؛ در این رابطه بیشتر با نظریه‌های روان تحلیل‌گری (هورنای،^۶ ۱۹۶۷) و یادگیری اجتماعی (بندورا و والتر،^۷ ۱۹۷۷) روبه‌رو می‌شویم. پژوهش‌ها بیشتر به بررسی اشتغال، دستیابی به مفهوم خود، نقش‌های جنسیتی و نگرش‌ها و انتقال به بزرگسالی پرداخته‌اند. نظریه‌های مربوطه به دنبال این هستند که چگونه دختران شبیه مادرانشان می‌شوند. نظریه‌های روان‌تحلیل‌گری این فرایند را ناخودآگاه می‌دانند در صورتی که برعکس آن نظریه یادگیری اجتماعی آن را از طریق الگوسازی تبیین می‌کند (فریز، پارسونز، جانسون، روبل و زلمن،^۸ ۱۹۷۸). در رابطه مادر- دختری، مادر به عنوان یک الگوی بزرگسال برای دختر می‌تواند بر رشد هویت و عزت نفس او مؤثر باشد. مادران به عنوان یک عامل اجتماعی‌کننده به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ارزش‌های پذیرفته شده جامعه را به دختران خود منتقل می‌کنند (تیگمن،^۹ ۲۰۱۱).

پژوهش‌های روان‌شناسان نشان می‌دهد که دختران به طور فزاینده‌ای نسبت به پسران در دوره نوجوانی دچار فشار روانی، تنیدگی روان شناختی و غیره می‌شوند (ماتود و همکاران،^{۱۰} ۲۰۲۳). بسیاری از آنها مسائل بلوغ و انتظارات نامعقول فرهنگی اجتماعی که از دختران وجود دارد را دلیل آن می‌دانند. دو دلیل عمده‌ای که امروزه برای این مسئله بیان شده است وقایع استرس‌زای زندگی و نحوه تفکر و برخورد دختران با این وقایع است (ویز،^{۱۱} ۲۰۱۸). رابطه بین مادران و دختران نوجوان در صورتی می‌تواند صمیمی و مثبت باشد که شکاف بین نسلی کم شود و دختران نوجوان حمایت عاطفی دریافت کنند و احساس صمیمیت داشته باشند. وابستگی عاطفی و متقابل بین مادر و دختر از سایر افراد خانواده بیشتر است (بوجکزیک، لهان، مک‌وی، ملسون و کافمن،^{۱۲} ۲۰۱۱). بنابراین طبیعت رابطه مادر و دختر نقش تعیین‌کننده‌ای در زندگی روان‌شناختی او دارد (اونایلی و اوردور-بیکر،^{۱۳} ۲۰۱۳). به طور کلی می‌توان رابطه مادر- دختر را به واسطه عواملی از قبیل مراقب اصلی بودن، الگو بودن، مؤثر بودن، رابطه دلبستگی با مادر و مسئولیت مادر در رابطه با انتقال ارزش‌ها، مهم و اثرگذار دانست.

اگر چه در طول دوران نوجوانی نیاز به استقلال^{۱۴} در نوجوانان وجود دارد اما این نیاز در ابتدای نوجوانی کاملاً مشهود است و با توجه به تمرکز والدین به نزدیکی و صمیمیت با نوجوانان می‌تواند منجر به اختلاف‌هایی در روابط والدین و نوجوانان شود که این اختلاف‌ها با سازگاری شیوه‌های فرزندپروری والدین در ارتباط با نوجوانان کاهش پیدا می‌کند (لارسن و کولینز، ۲۰۰۹؛ استینبرگ و موریس،^{۱۵} ۲۰۰۱) سبک فرزندپروری تحت تأثیر عواملی از قبیل ویژگی‌های فرزندان (شخصیت، خلق‌وخو و توانایی‌های شناختی)، ویژگی‌های والدین (شخصیت، باورها، انتظارات، تجارب و غیره) و بافت اجتماعی و فرهنگی که رابطه در آن شکل می‌گیرد، قرار دارد (گائو و

1. Moore, Guzman, Hair, Lippman & Garrett
2. Steinberg
3. McGraw & Walker
4. Hair, Black, Babin, Anderson & Tatham
5. Muruthi
6. Horney
7. Bandura & Walters
8. Frieze, Parsons, Johnson, Ruble & Zellman
9. Tiggemann,
10. Matud & Et Al
11. Weis
12. Bojczyk, Lehan, Mcwey, Melson, & Kaufman
13. Onayli, & Erdur-Baker
14. Independence
15. Steinberg, & Morris

کامینگز^۱، ۲۰۱۹؛ فیبانتی و راجماواتی^۲، ۲۰۲۰). امروزه مشکل اصلی فرزندپروری میزان نظارت و مقرراتی است که والدین برای مراقبت و توانمندسازی فرزندانشان در نظر می‌گیرند (موسیتو فرر، لئون مورنو، کالیاس جرونیمو، استبان ایبانز و موسیتو اوچوا^۳، ۲۰۱۹). برخی نوجوانان ممکن است این دوره را با سازگاری سپری کنند اما برخی دیگر ممکن است نیاز به کمک و حمایت داشته باشند. به طور معمول میزان اختلاف والدین و نوجوانان در ابتدای دوران بلوغ افزایش می‌یابد و سپس در اواسط و اواخر دوره بلوغ به دلیل تغییرات تحولی کاهش می‌یابد (گائو و کامینگز، ۲۰۱۹). برای انتقال کودکانه به دوره نوجوانی نیاز است که والدین متناسب با نیاز فرزندانشان شیوه‌های فرزندپروری خود را تغییر دهند؛ به این صورت که در ابتدای نوجوانی اقتدار بیشتری داشته باشند و متناسب با تحول خودباوری و استقلال فرزند از میزان این اقتدار بکاهند (نلسون، پادیلایا-واکر، کریستن سن، ایوانز و کارول^۴، ۲۰۱۱). بنابراین اقتدار والدین و انعطاف‌پذیری شیوه‌های فرزندپروری آنها همراه با سازگاری نوجوانان در ابتدا، میانه و پایان نوجوانی اهمیت دارد (کیم، وانگ، شن و هو^۵، ۲۰۱۵).

پژوهش‌ها نشان داده‌اند نوجوانان والدین مقتدر کفایت خود و سازگاری روان‌شناختی بالاتری نشان می‌دهند (فیلس و روزاک^۶، ۲۰۱۴). والدین سهل‌گیر به طور قابل ملاحظه‌ای دست آورد کمی در ارتباط با فرزند نوجوان خود دارند (فورنهام و چنگ^۷، ۲۰۰۰؛ وایت^۸، ۲۰۰۲). همچنین والدینی که پرخاشگری بالا و تمایل کمتری به مثبت بودن دارند نوجوانانی دارند که بیشتر در خطر ابتلا به افسردگی هستند (شوارتز و همکاران^۹، ۲۰۱۷). پژوهش سادات رضوی، اسماعیلی و فرخی (۱۳۸۸) بر روی نوجوانان دختر ۱۸ تا ۲۲ ساله نشان داد در انتخاب شغل، ارتباط با دیگران و انتخاب دوست، رفتار با جنس مخالف و تصریح نقش همسری، رابطه معناداری بین انواع منزلت‌های هویتی دختران و مادران وجود دارد اما در زمینه‌های سبک زندگی، سیاست و نحوه گذراندن اوقات فراغت تفاوت معناداری بین دو گروه مادران و دختران وجود ندارد. پژوهش اوناییلی و اوردور-بیکر بیکر (۲۰۱۳) نشان داد که پیوند، وابستگی متقابل و اعتماد بین مادر و دختر پیش‌بینی‌کننده اعتمادبه‌نفس در دختران است. آموزش والدگری منجر به افزایش سبک والدگری مقتدرانه و کاهش سبک مستبدانه و استرس والدینی^{۱۰} می‌گردد (شکوهی‌یکتا، ۱۳۹۴؛ کارول^{۱۱}، ۲۰۲۲). در رابطه با آموزش تحول نوجوانان به والدین پژوهش اکبری زردخانه و محمودی (۱۳۹۴) نشان داد که این برنامه منجر به افزایش ایجاد محدودیت گردیده است.

با توجه به اهمیت رابطه مادر- دختر (هیر و همکاران، ۲۰۰۶؛ بریدیت و فینگرمن^{۱۲}، ۲۰۱۳) به واسطه نقش مادر در خانواده و زمان زیادی که مادران برای مراقبت از فرزندان صرف می‌کنند و از طرف دیگر با بررسی عوامل اثرگذار بر سبک‌های فرزندپروری، این نکته نمایان می‌شود که برخی از این عوامل ثابت هستند و یا تغییر آنها به سختی صورت می‌پذیرد (مانند خلق و خو و ویژگی‌های شخصیتی) و برخی قابل تغییر و دستکاری هستند (مانند باورها و نگرش‌ها و حتی توانایی‌های شناختی). در نتیجه ارائه چالش‌های گذار جهت دوره نوجوانی توسط متخصصان به والدین همراه با حمایت‌های عاطفی بسیار مهم است. متخصصان باید در این زمینه نیازسنجی نموده و خدمات لازم را در حیطه‌های اطلاعاتی، جسمی، روان‌شناختی، هیجانی و اجتماعی فراهم آورند (کلی و میشل^{۱۳}، ۲۰۱۷)؛ عدم اطلاعات کافی و دقیق؛ نبود پیشینه پژوهش در زمینه موضوع پژوهش حاضر باعث ایجاد خلاء تجربی پژوهش شد. از این‌رو، انجام این پژوهش ضروری می‌باشد. همچنین تغییراتی که در ویژگی‌های جسمانی، روان‌شناختی و هیجانی نوجوانان به وجود می‌آید چالش‌هایی بین والدین و نوجوانان ایجاد می‌کند؛ ارائه برنامه‌های آموزشی در رابطه با ویژگی‌های نوجوانان می‌تواند به والدین

1. Gao & Cummings
2. Febiyanti & Rachmawati
3. Musitu-Ferrer, León-Moreno, Callejas-Jerónimo, Esteban-Ibáñez, & Musitu-Ochoa
4. Nelson, Padilla-Walker, Christensen, Evans & Carroll
5. Kim, Wang, Shen & Hou
6. Filus & Roszak
7. Furnham & Cheng
8. White
9. Schwartz et al.
10. Parenting stress
11. Carroll
12. Briditt & Fingerman
13. Kelly & Michelle

کمک کند تا با شناخت این ویژگی‌ها رابطه موثرتری با فرزندان خود داشته باشند. به نظر می‌رسد که مداخلات ارائه شده برای والدین باید از یکنواختی بیرون بیاید و متناسب با نقش پدر و مادر و ویژگی‌های تحولی نوجوانان تغییر یابد تا بتواند چالش‌های بین نسلی را پوشش داده و رابطه‌ای صمیمی و مثبت بین والدین و نوجوان به وجود آورد. با توجه به اهمیت رابطه مادر- دختر و مشکلات فزاینده‌ای که در دوران بلوغ برای دختران به وجود می‌آید در پژوهش حاضر برنامه آموزشی در رابطه با تحول نوجوانی در دختران تهیه و به مادران آموزش داده شد و میزان اثربخشی آن مورد اندازه‌گیری قرار گرفت.

روش

پژوهش حاضر از نوع نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون- پس‌آزمون تک‌گروهی بود. جامعه آماری شامل مادران دارای دختر نوجوان شهر تهران بود که ۶۰ نفر از آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس برای گروه نمونه انتخاب شدند و در برنامه آموزشی تحول نوجوان شرکت کردند این افراد در پاسخ به فراخوان مدرسه و پس از شرکت در یک جلسه معرفی کارگاه آموزشی تحول نوجوان، اعلام آمادگی نمودند. معیار ورود افراد در این کلاس‌ها با سواد بودن، فرزند نوجوان داشتن و شرکت مستمر و فعال در دوره آموزشی و معیار خروج ایشان دو جلسه غیبت از کلاس آموزشی و یا دریافت سایر مداخلات روان شناختی به طور همزمان با برنامه حاضر بود. میانگین سن مادران شرکت‌کننده در پژوهش حاضر ۳۸/۵۶ بود و سن اکثر فرزندان دختر بین ۱۰ تا ۱۲ سال بود. از نظر سطح تحصیلات نیز نزدیک به نیمی از والدین ۴۸/۳ درصد شرکت‌کنندگان دارای مدرک دیپلم و فوق‌دیپلم بودند.

ابزار

۱. پرسشنامه ارتباط والد- فرزند (PCRI) (فرم کوتاه)^۱: این پرسشنامه شامل ۳۱ آیتم و سه خرده مقیاس ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت و رضایت از فرزندپروری است. این پرسشنامه در مقیاس لیکرت ۵ گزینه‌ای طراحی شده است و رابطه میان فرزندان و والدین را ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه توسط جرارد^۲ (۱۹۹۴) طراحی شده و شامل ۷۸ گویه، ۷ خرده مقیاس اصلی و یک خرده مقیاس روایی است. حمایت والدینی، رضایت از والدگری، مشارکت در والدگری، ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت، خودمختاری و جهت‌گیری نقش از مقیاس‌های اصلی و مقبولیت اجتماعی مقیاس روایی است. فرم کوتاه این پرسشنامه که شامل ۳۱ آیتم است خرده‌مقیاس‌های ارتباط با فرزند، ایجاد محدودیت و رضایت از فرزندپروری را شامل می‌شود. این پرسشنامه رابطه میان والدین و فرزندان را ارزیابی می‌کند و توسط والدین تکمیل می‌شود. در ۲۳ سؤال اول، گزینه‌ها عبارت‌اند از: همیشه، اغلب، گاهی اوقات، به‌ندرت و هرگز و در ۸ سؤال آخر، گزینه‌ها عبارت‌اند از: کاملاً موافقم، مابین، مخالفم و کاملاً مخالفم. قابلیت اعتماد این ابزار با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و با روش بازآزمایی ۰/۸۱ گزارش شده است. قابلیت اعتماد این ابزار با روش آلفای کرونباخ به تفکیک خرده مقیاس‌ها بین ۰/۵۸ تا ۰/۷۸ و به روش دو نیمه کردن بین ۰/۵۴ تا ۰/۷۶ بوده است (شکوهی‌یکتا، پرنده و درگاهی، ۱۳۹۵).

۲. مقیاس فرزند پروری (PS)^۳: این پرسشنامه دارای ۳۰ آیتم است که توسط (آرنولد، اولیری، وولف و آکر^۴، ۱۹۹۳) طراحی شده و با پاسخ به آن شیوه فرزندپروری مشخص می‌شود و سه الگوی انضباطی ناکارآمد والدین که عبارتند از اهمال‌کاری^۵، واکنش افراطی^۶ و پرگوویی^۷ را می‌سنجد. در این پرسش‌نامه به پاسخ همیشه نمره ۵، بیشتر اوقات ۴، گاهی اوقات ۳، به‌ندرت ۲ و هرگز ۱ تعلق می‌گیرد. نمره بالاتر در هر یک از عوامل، بیانگر فرزندپروری ناکارآمدتر است. روادز و اولیری^۸ (۲۰۰۷) با بررسی ساختار عاملی و روانی این مقیاس نشان دادند که ساختار عاملی نظری مفروض برای این ابزار در گروه پدران و گروه مادران مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین روایی

1. Parent-Child Relationship Inventory
2. Gerard
3. Parenting Scale
4. Arnold, O'leary, Wolff & Acker
5. Laxness
6. Over Reactivity
7. Verbosity
8. Rhoades & O'leary

ملاکی این ابزار نیز در این گروه‌ها مناسب گزارش شده است. این مقیاس از همسانی درونی مناسب برای نمره کل ($\alpha=0/84$) و مقیاس‌های اهمال‌کاری ($\alpha=0/83$)، واکنش افراطی ($\alpha=0/82$) و اطناپ کلام ($\alpha=0/63$) برخوردار است. قابلیت اعتماد با روش بازآزمایی برای کل مقیاس $0/79$ ، اهمال‌کاری $0/82$ ، واکنش افراطی $0/83$ و اطناپ کلام $0/84$ می‌باشد (ترنر و ساندرز^۱، ۲۰۰۶).

۳. برنامه آموزش تحول نوجوان: این برنامه مبتنی بر رویکرد شناختی رفتاری، نظریه‌های تحولی و فعالیت‌های پترسون^۲ (۱۹۷۴؛ ۱۹۷۵؛ ۱۹۹۴) پاترسون و چمبرلین^۳ (۱۹۹۴) تدوین شده بود. در این برنامه آموزشی به آگاه کردن والدین در مورد روانشناسی تحولی دوره نوجوانی و تغییرات و تحولات نوجوان در این زمان پرداخته شد. همچنین، والدین را با برخی از مشکلات دوره نوجوانی که بین آن‌ها و نوجوان به وجود می‌آید، آشنا کرد. برنامه به‌گونه‌ای بود که به والدین توصیه‌ها و راهبردهای مفیدی داده شد تا در زمان مواجهه با آن چالش‌های بین خود و نوجوان بتوانند برخوردی مناسب داشته باشند. لازم است مطرح شود این برنامه آموزشی برای نوجوانان ۱۲ تا ۱۵ سال در نظر گرفته شده است.

شیوه اجرای پژوهش

کارگاه آموزشی تحول نوجوان برای والدینی طراحی شده است که فرزندانشان در اوایل دوره نوجوانی (۱۲ تا ۱۵ سالگی) هستند و به اقتضای سن خود رفتاری طبیعی دارند. کارگاه ۵ جلسه دوساعته بود که خلاصه‌ای از جلسات آن در جدول ۱ مشاهده می‌گردد.

جدول ۱. خلاصه جلسات برنامه آموزش تحول نوجوان

جلسات	محتوای جلسات	اهداف
اول	آشنایی با راهکارهای ارتباط غیرمؤثر	شناسایی و درک الگوهای نادرست ارتباطی که مانع تعامل سالم بین والدین و نوجوانان می‌شود، از جمله امر و نهی کردن، تهدید کردن، نصیحت کردن، انتقاد کردن، تحقیر و شرمندگی کردن و سایر راهکارهای ناکارآمد.
دوم	آشنایی با راهکارهای ارتباط مؤثر	آموزش مهارت‌های کلیدی در ارتباط مثبت با نوجوانان شامل گوش کردن فعال و استفاده از «جملاتی که با من آغاز می‌شود» برای ابراز احساسات و بیان خواسته‌ها بدون ایجاد مقاومت در نوجوان.
سوم	شناخت ویژگی‌های اوایل نوجوانی و تحول ذهنی	بررسی تغییرات شناختی و روان‌شناختی نوجوانان در این دوره، درک دلایل مخالفت با اقتدار والدین و ارایه راهکارهایی برای مدیریت این چالش‌ها.
چهارم	تحول مفهوم خود و تحول جسمی در اوایل نوجوانی	شناخت تغییرات جسمی و تأثیر آن بر خودآگاهی نوجوانان، افزایش مهارت‌های ابراز وجود و خودهوشیاری برای تقویت هویت فردی.
پنجم	تحول اجتماعی و عاطفی در اوایل نوجوانی	بررسی تغییرات هیجانی و اجتماعی نوجوانان، نقش دوستی‌ها در این دوره، چگونگی مواجهه با طغیان احساسات و ارایه راهکارهایی برای مدیریت روابط اجتماعی و عاطفی.

یافته‌ها

سن مادران شرکت کننده در پژوهش بین ۲۷ تا ۵۴ سال بود که اطلاعات مربوط به آن در جدول ۲ مشاهده می‌گردد.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار سن

متغیر	میانگین	انحراف معیار
سن مادر	۳۸/۵۶	۵/۵۶
سن فرزند	۱۲/۸۴	۱/۳۴

هم‌چنین از بین مادران شرکت کننده در پژوهش ۱۷ نفر شاغل و ۴۷ نفر خانه دار بودند. نتایج شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۳ قابل مشاهده است.

1. Turner & Sanders
2. Patterson
3. Chamberlain

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	مولفه‌ها	متغیرها	میانگین	انحراف معیار
شیوه فرزندپروری ناکارآمد	واکنش افراطی	پیش‌آزمون	۲/۹۹	۰/۲۹
		پس‌آزمون	۲/۹۵	۰/۳۴
ارتباط والد-فرزند	رضایت از فرزندپروری	پیش‌آزمون	۲/۵۶	۰/۳۶
		پس‌آزمون	۲/۳۶	۰/۲۸
ارتباط والد-فرزند	رضایت از فرزندپروری	پیش‌آزمون	۳/۲۱	۰/۴۲
		پس‌آزمون	۳/۱۸	۰/۴۶
ارتباط والد-فرزند	رضایت از فرزندپروری	پیش‌آزمون	۲۸/۷۷	۳/۴۳
		پس‌آزمون	۳۳/۷۳	۳/۴۵
ارتباط والد-فرزند	رضایت از فرزندپروری	پیش‌آزمون	۴۰/۹۹	۴/۴۸
		پس‌آزمون	۴۱/۸۱	۴/۰۵
ارتباط والد-فرزند	رضایت از فرزندپروری	پیش‌آزمون	۳۲/۶۱	۴/۴۲
		پس‌آزمون	۳۴/۰۱	۳/۵۴

جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده گردید. همانگونه که در جدول ۴ مشاهده می‌گردد در همه موارد سطح معنی‌داری آزمون نرمال بودن متغیرها بزرگ‌تر از $(P>0/05)$ بود، در نتیجه می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای تجزیه و تحلیل نتایج استفاده نمود. با مراجعه به جدول ۳ می‌توان گفت که میانگین اهمال‌کاری در مرحله پس‌آزمون و بعد از دوره آموزشی $(M= ۲/۳۶)$ و $(SD=۰/۲۸)$ نسبت به نمرات پیش‌آزمون $(M=۲/۵۶)$ و $(SD=۰/۳۶)$ کاهش یافته است. با هدف تحلیل استنباطی داده‌های پژوهش، ابتدا پیش‌فرض‌های مرتبط با آمار پارامتریک و آزمون تی همبسته مورد آزمون قرار گرفت که در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. آزمون کولموگروف اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن متغیرها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	مولفه‌ها	متغیرها	آماره	سطح معناداری
شیوه فرزندپروری ناکارآمد	واکنش افراطی	پیش‌آزمون	۰/۸۸	۰/۴۲
		پس‌آزمون	۰/۶۲	۰/۸۲
ارتباط والد-فرزند	رضایت از فرزندپروری	پیش‌آزمون	۰/۷۲	۰/۶۷
		پس‌آزمون	۰/۶۹	۰/۷۱
ارتباط والد-فرزند	رضایت از فرزندپروری	پیش‌آزمون	۰/۷۵	۰/۶۱
		پس‌آزمون	۰/۵۹	۰/۹۰
ارتباط والد-فرزند	رضایت از فرزندپروری	پیش‌آزمون	۰/۷۳	۰/۶۵
		پس‌آزمون	۰/۷۳	۰/۶۵
ارتباط والد-فرزند	رضایت از فرزندپروری	پیش‌آزمون	۰/۶۸	۰/۷۴
		پس‌آزمون	۰/۷۰	۰/۷۱
ارتباط والد-فرزند	رضایت از فرزندپروری	پیش‌آزمون	۰/۸۹	۰/۴۰
		پس‌آزمون	۰/۵۰	۰/۹۶

جهت بررسی معناداری تفاوت نمرات آزمودنی‌ها در پیش‌آزمون و پس‌آزمون از آزمون تی همبسته استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. خلاصه‌ای از مقایسه زوجی متغیرهای پژوهش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	تفاوت میانگین‌ها	انحراف معیار	df	t	P
اهمال‌کاری	-۰/۰۴۵	۰/۳۶	۵۹	-۰/۹۷	۰/۳۳
واکنش افراطی	-۰/۱۹	۰/۳۶	۵۹	-۴/۱۹	۰/۰۰۱
پرگویی	-۰/۰۲۸	۰/۴۴	۵۹	-۰/۵۰	۰/۶۱
ارتباط با فرزند	۴/۵۴	۳/۲۳	۵۹	۱۰/۶۶	۰/۰۰۱
رضایت از فرزندپروری	۰/۸۲	۴/۰۲	۵۹	۱/۵۸	۰/۱۱
ایجاد محدودیت	۱/۴۰	۴/۰۳	۵۹	۲/۶۸	۰/۰۰۱

همچنان که در جدول ۵ قابل مشاهده است از میان شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد تنها واکنش افراطی کاهش معناداری داشته است. ($t_{(89)}=4/19$; $p < 0/01$) همچنین با مشاهده تعامل والد-فرزند می‌توان اظهار کرد که از بین سه عامل پرسشنامه ارتباط والد-فرزند دو عامل ارتباط با فرزند و ایجاد محدودیت معنی‌دار هستند. با مشاهده شاخص‌های ارتباط با فرزند ($t_{(89)}=-10/66$; $p < 0/01$) و مراجعه به جدول ۲ می‌توان گفت که ارتباط با فرزندان در دوره پس‌آزمون ($M=33/71$ و $SD=3/45$) نسبت به پیش‌آزمون ($M=28/77$ و $SD=3/43$) افزایش یافته است. مشاهده شاخص ایجاد محدودیت نیز بیانگر آن است که این عامل پس از دوره آموزشی افزایش یافته است.

بحث و نتیجه‌گیری

رابطه بین مادرها و دخترهای نوجوان آن‌ها پیچیده و ظریف است که اغلب با ارتباط عمیق و دوره‌های تنش مشخص می‌گردد. با این حال پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مداخلات آموزشی هدفمند می‌توانند تاثیر چشمگیری بر بهبود این رابطه حیاتی داشته باشند. هدف از پژوهش حاضر بررسی تاثیر برنامه آشنایی با تحول نوجوان بر روش‌های تربیتی و ارتباط مادر با فرزند دختر بود. از میان شیوه‌های فرزندپروری ناکارآمد، واکنش افراطی پس از دوره آموزشی به طور معناداری کاهش یافته بود. همچنین تفاوت معناداری در میزان ارتباط با فرزند و اعمال محدودیت پس از دوره آموزشی به دست آمد. در رابطه با تأثیر دوره آموزشی بر کاهش واکنش افراطی نتیجه همسو با پژوهش‌های کارول (۲۰۲۱) و شکوهی‌یکتا (۱۳۹۴) بود که نشان دادند آشنایی والدین با فرایند تحول نوجوانی میانی سبب کاهش سبک مستبدانه می‌گردد. سبک فرزندپروری مستبدانه که همراه با انتظارات بالا و پاسخگویی پایین می‌باشد تأکید بر اطاعت دارد و به طور مداوم با پیامدهای نامطلوب در تحول نوجوان همراه می‌گردد. سبک اجتماعی شدن والدین، ویژگی‌های شناختی و شخصیتی آنها، دیدگاه‌شان را در رابطه با سازگاری و چگونگی تحول کودکان شکل می‌دهد. اما هیچ‌کدام از این ویژگی‌ها تأثیر ساده و مستقیمی بر سبک فرزندپروری والدین ندارد و تحت تأثیر متغیرهایی مانند ویژگی‌های شخصیتی کودکان و دوران مختلف تحول آنها نیز می‌باشد. والدینی که دیدگاه سنتی دارند نگاه‌شان به نوجوانی بیشتر به عنوان دوره لذت‌جویی است که سازنده و مفید نیست اما والدینی که اطلاعات جدیدتری در مورد نوجوانی دارند درک بهتر و سازنده‌تری از نوجوانی دارند. در نتیجه آموزش به خانواده‌ها و والدین می‌تواند دیدگاه کلیشه‌ای و سنتی را در رابطه با نوجوانی تغییر دهد و آنها را به سمتی سوق دهد که به شایستگی‌های نوجوانان توجه کنند و درعین‌حال از موقعیت‌های رفتاری خطرآفرین منع کنند (ریدایو، وردوگو و فلورز، ۲۰۲۱). والدین باید زمان کافی را برای نظارت و راهنمایی فرزندان خود اختصاص دهند و آگاه باشند که مرحله نوجوانی نیاز به ارتباط صمیمانه، درک شرایط و ویژگی‌ها و همچنین مهارت‌های ارتباطی خوب دارد (فیباتی و راجماواتی، ۲۰۲۰). به عبارت دیگر برنامه آموزشی به والدین کمک کرده است تا رویکرد مقتدرانه‌تری در پیش بگیرند و در فرزندپروری خود ترکیبی از انتظارات بالا همراه با پاسخگویی و حمایت بیشتر اعمال نمایند که نتیجه آن طبق دیدگاه بامرایند (۱۹۹۱) کمک به سازگاری بیشتر و پیوندهای قوی‌تر می‌باشد.

همچنین از میان عوامل پرسشنامه ارتباط والد-فرزند، دو عامل ارتباط با فرزند و ایجاد محدودیت قبل و بعد از برنامه آموزشی تفاوت معنادار نشان دادند به این صورت که میزان ارتباط با فرزند و اعمال محدودیت پس از دوره آموزشی افزایش داشته است. زمانی که والدین یاد بگیرند که دیدگاه دختر خود را بهتر درک کنند، احساسات او را تأیید کنند و در حل مشکلات با هم همکاری داشته باشند احتمالاً رابطه بین آن‌ها هماهنگ‌تر خواهد شد. افزایش اعمال محدودیت برای فرزند همسو با پژوهش اکبری زردخانه و محمودی (۱۳۹۴) و با پژوهش شکوهی‌یکتا (۱۳۹۴) ناهمسو بود. با مقایسه سن فرزندان والدین شرکت‌کننده در پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین (اکبری زردخانه و محمودی، ۱۳۹۴؛ شکوهی‌یکتا، ۱۳۹۴) می‌توان این نتیجه را چنین تبیین نمود که سن فرزندان والدین شرکت‌کننده در پژوهش شکوهی‌یکتا (۱۳۹۴) بین ۱۵ تا ۱۸ سال و در صورتی که سن فرزندان والدین شرکت‌کنندگان در پژوهش اکبری زردخانه و محمودی (۱۳۹۴) بین ۱۲ تا ۱۳ سال و سن فرزندان والدین شرکت‌کننده در پژوهش حاضر بین ۱۰ تا ۱۲ سال بوده است. به نظر می‌رسد والدینی که فرزندان آنها در اوایل نوجوانی هستند پس از کارگاه آموزشی با توجه به مطالبی که دریافت می‌کنند و پیش‌آگاهی و عدم تجربه در رابطه با تضادها و درگیری‌هایی که ممکن است در آینده با نوجوان خود داشته باشند محتاط‌تر شده و برای اینکه امور از دستشان خارج نشود اعمال محدودیت بیشتری در مورد فرزند خود انجام می‌دهند. اما از طرف دیگر

والدین نوجوانانی که در سال‌های میانی و پایانی نوجوانی هستند با توجه به آموزش‌های دریافتی و تجربه‌ای که پشت سر گذاشته‌اند بیشتر بر خودمختاری و استقلال نوجوان خود که در این برهه سنی مورد نیاز اوست تمرکز می‌کنند و میزان محدودیت اعمال شده را کمتر می‌کنند. همچنین می‌توان به این نکته هم اشاره کرد که پژوهش‌ها به والدین توصیه می‌کنند که در ابتدای نوجوانی اقتدار بیشتری داشته باشند و سپس در ادامه از میزان اقتدار خود کاسته و استقلال بیشتری به فرزندان خود بدهند (نلسون و همکاران، ۲۰۱۱).

در نتیجه یافته‌های پژوهش اهمیت تاثیر قابل توجه مداخلات آموزشی بر بهبود روابط مادر دختر در سال‌های ابتدایی دوران نوجوانی نشان می‌دهد. با آموزش والدین می‌توان به ایجاد سبک فرزندپروری مقتدرانه، بهبود ارتباط و در نهایت پیوند حیاتی بین مادر و دختر نوجوان کمک کرد.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر استفاده از یک گروه آزمایش بدون گروه کنترل و گروه نمونه در دسترس است که در تعمیم نتایج لازم است احتیاط صورت گیرد. با توجه به یافته‌های بدست آمده از پژوهش پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی در صورت امکان نظر نوجوانان هم مورد بررسی قرار گیرد و داده‌ها به روش کیفی نیز جمع‌آوری، تحلیل و تبیین شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود از برنامه آموزشی تحول نوجوانان در مراکز روان‌شناختی و مدارس برای دادن آموزش‌های لازم به والدین و نوجوانان استفاده شود.

تشکر و قدردانی

بدینوسیله از مادران شرکت‌کننده در پژوهش و عوامل مدرسه که هماهنگی‌های لازم را در این زمینه فراهم نمودند تشکر می‌گردد.

منابع

- اکبری زردخانه، س.، و محمودی، م. (۱۳۹۴). تأثیر آموزش برنامه تحول نوجوان به والدین بر ارتباط والد-فرزند و کارکرد خانوادگی. *فصلنامه تحول روان شناختی کودک*، ۲(۲)، ۴۷-۵۷.
- شکوهی یکتا، م. (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه آشنایی والدین با فرایند تحول نوجوانی میانی بر سبک‌های فرزندپروری و ارتباط والد-کودک. *فصلنامه سلامت روانی کودک*، ۳(۴)، ۹-۱۹.
- Arnett, J. J. (2001). Conceptions of the transition to Adulthood: Perspectives from adolescence through midlife. *Journal of Adult Development*, 8(2), 133-143.
- Arnold, D. S., O'Leary, S. G., Wolff, L. S., & Acker, M. M. (1993). The Parenting Scale: A measure of dysfunctional parenting in discipline situations. *Psychological Assessment*, 5(2), 137-144.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The journal of early adolescence*, 11(1), 56-95.
- Bandura, A., & Walters, R. H. (1977). *Social learning theory* (Vol. 1). Prentice Hall: Englewood cliffs.
- Bojczyk, K. E., Lehan, T. J., McWey, L. M., Melson, G. F., & Kaufman, D. R. (2011). Mothers' and their adult daughters' perceptions of their relationship. *Journal of Family Issues*, 32(4), 452-481.
- Bradshaw, J., Martorano, B., Natali, L. & Neubourg, G. (2013). Children subjective wellbeing in rich countries. *Child Indicators Research*, 6(4), 619-635.
- Bridith, K. S., & Fingerman, K. L. (2013). Intergenerational relationships in adulthood. In Fine, M., & Fincham, F. (Eds.), *Handbook of family theories: A content-based approach*. New York: Routledge.
- Broda Tamburi, S. J. (2019). *Power, Beauty and Legitimacy of Adolescence*. New York: Clink Street.
- Campbell, L. K., Bann, D., & Patalay, P. (2021). The gender gap in adolescent mental health; A cross-national investigation of 566829 adolescents across 73 countries. *Population Health*, 13, 1-9.
- Carroll, P. (2022). Effectiveness of positive discipline parenting program on parenting style, and child adoptive behavior. *Child Psychology & Human Development*.
- Febiyanti, F., & Rachmawati, Y. (2020). Is authoritative parenting the best parenting style? *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 538, 94-99.
- Filus, A., & Roszak, J. (2014). Relationships between parental power, prestige, and acceptance, and the psychological adjustment of young adults in Poland. *Cross-Cultural Research*, 48(3), 286-294.

- Frieze, I. H., Parsons, J. E., Johnson, P. B., Ruble, D. N., & Zellman, G. L. (1978). *Women and Sex Roles: A Social Psychological Perspective*. New York: W. W. Norton.
- Furnham, A., & Cheng, H. (2000). Perceived parental behavior, self-esteem and happiness. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 35(10), 463–470.
- Gao, M., & Cummings, E. M. (2019). Understanding parent–child relationship as a developmental process: Fluctuations across days and changes over years. *Developmental Psychology*, 55(5), 1046–1058.
- Gerard, A. B. (1994). *Parent-Child Relationship Inventory (PCRI) Manual*. Los Angeles, WPS.
- Hair, J. F., Black, W. C., Babin, B. J., Anderson, R. E., & Tatham, R. L. (2006). *Multivariate data analysis*. (6th ed.). Upper Saddle River: Pearson Prentice Hall.
- Hall, G. S. (1904). *Adolescence: Its psychology and its relations to physiology, anthropology, sociology, sex, crime, religion and education, Vol. 1*. D Appleton & Company.
- Horney, K. (1967). The distrust between the sexes. *Psychoanalytic Bewegung*. In Kelman, H. (Eds.), *Feminine Psychology*, New York.
- Kaye-Tazadok, A., Kim, S. S., & Main, G. (2017). Children subjective well-being in relation to gender-what can we learn from dissatisfied children? *Child and Youth Services Review*, 80, 96- 104.
- Kelly, M., & Millar, M. (2017). Exploring Adolescence and Parenthood: A Transitional Life Stage and Abrupt Life Change. *Journal of Community and Public Health Nursing*, 3(1), 162.
- Kim, S. Y., Wang, Y., Orozco-Lapray, D., Shen, Y., & Murtuza, M. (2013). Does “tiger parenting” exist? Parenting profiles of Chinese Americans and adolescent developmental outcomes. *Asian American Journal of Psychology*, 4(1), 7–18.
- Kim, S. Y., Wang, Y., Shen, Y., & Hou, Y. (2015). Stability and change in adjustment profiles among Chinese American adolescents: The role of parenting. *Journal of Youth and Adolescence*, 44(9), 1735–1751.
- Laursen, B., & Collins, W. A. (2009). Parent-child relationships during adolescence In Lerner R & Steinberg, L. (Eds.), *Handbook of Adolescent Psychology* (3rd ed., pp. 3–42). New York: Wiley.
- Marceau, K., Ram, N., & Susman, E. J. (2015). Development and lability in the parent-child relationship during adolescence: Associations with pubertal timing and tempo. *Journal of Research on Adolescence*, 25(3), 474–489.
- Matud, M. P., Ibáñez, I., Fortes, D., & Bethencourt, J. M. (2024). Adolescent stress, psychological distress and well-being: A gender analysis. *Child & Youth Services*, 45(3), 300-323.
- McGraw, L. A., & Walker, A. J. (2004). Negotiating Care: Ties Between Aging Mothers and Their Caregiving Daughters. *Journal of Gerontology: Social Sciences*, 59(6), 324-332.
- Moore, K. A., Guzman, L., Hair, E. C., Lippman, L., & Garrett, S. B. (2004). *Parent–teen relationship and interactions: Far more positive than not*. Washington, DC: Child Trends.
- Muruthi, B. A., Shivers, C. M., Bermudez, J. M., & Cronce, J. M. (2024). Cultural expectations and perceptions of risk communication among Afro-Caribbean mothers and daughters in the United States. *Families, Systems, & Health*, 42(2), 254–263.
- Musitu-Ferrer, D., León-Moreno, C., Callejas-Jerónimo, J. E., Esteban-Ibáñez, M., & Musitu-Ochoa, G. (2019). Relationships between parental socialization styles, empathy and connectedness with nature: their implications in environmentalism. *International Journal of Environment Research and Public Health*, 16 (14),2461–2481.
- Nelson, L. J., Padilla-Walker, L. M., Christensen, K. J., Evans, C. A., & Carroll, J. S. (2011). Parenting in emerging adulthood: An examination of parenting clusters and correlates. *Journal of Youth and Adolescence*, 40(6), 730–743.
- Neugarten, B. L., Moor, J. W., & Lowe, J. C. (1965). Age norms, age constraints, and adult socialization. *American Journal of Sociology*, 7(6), 710–717.
- Onayli, S., & Erdur-Baker, O. (2013). Mother-daughter Relationship and daughter’s self-esteem. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 84(9), 327 – 331.
- Patterson, G. R. (1974). Interventions for boys with conduct problems: Multiple settings, treatments, and criteria. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 42(4), 471–481.

- Patterson, G. R. (1975). *Families: Applications of social learning to family life*. Champaign, IL: Research Press.
- Patterson, G. R., & Chamberlain, P. (1994). A functional analysis of resistance during parent training therapy. *Clinical Psychology Science and Practice*, 1(1), 53–70
- Ralf, A. (2018). Parenting of Adolescents and Emerging Adults in: Sanders, M. R & Morawska, A (Eds), *Handbook of Parenting and Child Development Across the Lifespan*. Springer: Switzerland.
- Rhoades, K. A. & O’Leary, S. G. (2007). Factor Structure and Validity of the Parenting Scale. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 36 (2), pp. 137–146.
- Ridao, P., Verdugo, I. L., & Flores, C. R. (2021). Parental Beliefs about Childhood and Adolescence from a Longitudinal Perspective. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18, 1760.
- Schwartz, O., Simmons, J. G., Whittle, S., Byrne, M. L., Yap, M. B. H., Sheeber, L. B., & Allen, N. B. (2017). Affective parenting behaviors, adolescent depression, and brain development: A review of findings from the Orygen Adolescent Development Study. *Child Development Perspectives*, 11(2), 90–96.
- Saadat Razavi, A., Esmaili, M. & Farohki, N. A. (2010). Compare and content analysis of Ego identity status among daughters ranged 18-22 years old and their mothers. *Social Research*, 2(5), 203-225.
- Shokouhi Yekta, M. (2016). The Effectiveness of Parents Training Program on Middle Adolescence Development on Parent-Child Relationship. *Journal of Child Mental Health*, 2 (4), 9-19.
- Shokouhi Yekta, M., Parand, A. & Dargahi, M. (2016). Family-Based Preventive Interventions: Effects on Parent-Child Relationship and Parenting Styles, *Quarterly Journal of Child Mental Health*, 3(2), 55-63.
- Silvers, J. A. (2022). Adolescence as a pivotal period for emotion regulation development. *Current Opinion in Psychology*, 44, 258-263.
- Smetana, J. G., & Rote, W. M. (2019). Adolescent–Parent Relationships: Progress, Processes, and Prospects. *Annual Review of Developmental Psychology*, 1, 41–68.
- Steinberg, L. (2001). We know some things: Parent–adolescent relationships in retrospect and prospect. *Journal of Research on Adolescence*, 11(1),1–19.
- Steinberg, L., & Morris, A. Sh. (2001). Adolescent development, *Annual Review of Psychology*, 52, 83-110.
- Tiggemann, M. (2011). Sociocultural perspectives on human appearance and body image. In T. Cash & L. Smolak (Eds.), *Body image: A handbook of science, practice, and prevention* (2nd ed., pp. 12–19). New York, NY: The Guilford Press.
- Turner, K. M., & Sanders, M. R. (2006). Help when it’s needed first: A controlled evaluation of brief, preventive behavioral family intervention in a primary care setting. *Behavior therapy*, 37(2), 131-142.
- Weis, R. (2018). *Introduction to Abnormal Child and Adolescent Psychology*, Los Angeles: SAGE Publications, Inc.
- White, N. R. (2002). “Not under my roof!?”: Young people’s experience of home. *Youth and Society*, 34(2), 214–231.
- Wilmshurst, L. (2017). *Abnormal child and adolescent psychology: A developmental perspective* (2nd ed.). Routledge/Taylor & Francis Group.
- World Health Organization. (2015). The global strategy for women’s, children’s, and adolescents’ health (2016–2030).
- World Health Organization. (2020). Adolescent mental health. Retrived from: <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/adolescent-mental-health>.